

منظر طبیعی

با طلوع فرهنگ های انسانی در هزاران سال پیش، مردم، منظر را به طور وسیعی تغییر داده اند به طوری که بخش بسیار کمی از آن کماکان دست نخورده است و می توان آن را در زمره منظر طبیعی دانست. (www.wikipedia.org)

همچنین، سازمان میراث فرهنگی جهانی، UNESCO برای «میراث طبیعی» تعریف زیر را ارائه کرده است: «میراث آن چیزی است که از نسل های گذشته به ارث رسیده و در زمان حال و برای نسلهای آینده حفظ و نگهداری می گردد. میراث طبیعی آن چیزی است که از طبیعت صرف به ارث رسیده باشد و نه ساخته دست بشر. مکان ها، عناصر و مشخصه های ذهنی احاطه شده در اطراف و محیط طبیعی، شامل گیاهان و جانوران و در کل آنچه که به عنوان تنوع زیستی شناخته می شود، میراث طبیعی هستند.»

همانطور که عنوان شد، اکثر تعاریف، دلالت بر بکر بودن این پدیده دارد. به عبارتی در تمامی تعاریف نقل شده، منظر طبیعی همان طبیعت منتهای انسان ذکر گردیده است. آنچه ما شاهد آن هستیم حضور طبیعت است از یک سو و انسان در سویی دیگر. منظر بدون حضور انسان، منظر طبیعی است و منظر با حضور انسان منظر فرهنگی. به دلیل تقابل میان این دو و به جهت روشن تر شدن تعریف منظر طبیعی به جاست تا راجع به منظر فرهنگی توضیحاتی ذکر گردد:

"منظر فرهنگی تغییر شکل منظر طبیعی است به وسیله یک گروه فرهنگی. فرهنگ یک عامل است، محیط طبیعی وسیله است. منظر فرهنگی نتیجه است. (sauer, 1925)"

اتو اشلوتر (Otto schluter) جغرافی دان، برای اولین بار در سال ۱۹۰۸ لغت "منظر فرهنگی" را مطرح می کند. او منظر را در قالب دو عنوان مطرح کرد. منظر طبیعی یا منظر فرهنگی که پیش از حضور انسان و دخل و تصرف های او وجود داشته و منظر فرهنگی یا منظر فرهنگی که توسط فرهنگ انسان ها شکل گرفته است. (schluter, 1908)

منظر فرهنگی توسط کمیته میراث فرهنگی بین الملل

تنوع گسترده ای از مناظر وجود دارد که بیانگر تفاوت منظر در مناطق مختلف جهان می باشد. گونه ای از این مناظر. مناظر بکر طبیعی و دست نخورده ای هستند که در آنها دخل و تصرفی صورت نگرفته است و بخش دیگری از آنها مرکب از آثار طبیعی و انسان ساخت است که حکایت از تعامل میان انسان و محیط پیرامون خود دارد. لذا آنچه که ما در این کره خاکی شاهد آنیم طیف وسیعی از مناظری است که یکسری این طیف شامل مناظری است که انسان در آن نقشی ندارد و یا نقش او کم رنگ است. همچنین جنگلها و نقاط بکر دست نخورده و سمت دیگر این طیف را مناظری تشکیل می دهد که در آن نقش انسان به حداکثر می رسد. همچون مناظر شهری.



پروانه غضنفری
کارشناس ارشد معماری منظر

تعاریف و مفاهیم عنوان شده در حوزه منظر طبیعی:

"منظر طبیعی، منظری است جدا از تاثیرات فرهنگی. منظری که هیچ گونه اثری از فعالیت های انسان در آن نباشد." (ferdinands, 2004)

"منظر طبیعی، منظری است دست نخورده که تمام عناصر زنده و غیر زنده در آن آزاد هستند که جابجا شده و یا تغییر یابند." (www.gis.esri.com)

راشل کارسن در کتاب بهار خاموش "منظر طبیعی را به عنوان آنچه که پیش از ما گسترده شده است، همچون صفحات باز یک کتاب، معرفی می کند." (Karson, 1962)

زمینی که در طول میلیون ها سال و بدون حضور آدمیان شکل گرفته و تغییر و تحول یافته است، یک منظر کاملاً طبیعی است.

منظر طبیعی همان طبیعت منتهای انسان ذکر گردیده است. آنچه ما شاهد آن هستیم حضور طبیعت است از یک سو و انسان در سویی دیگر. منظر بدون حضور انسان، منظر طبیعی است و منظر با حضور انسان منظر فرهنگی.

UNESCO این گونه تعریف می شود:

"منظر فرهنگی به عنوان یک ناحیه جغرافیایی بیانگر تعامل انسان و طبیعت است. «ایده منظر فرهنگی و محتوای آن به عنوان بخشی از تلاش های بین المللی است در جهت آشتی دو عنصر انسان و طبیعت و رفع دوگانگی موجود میان آن دو که در تفکر دنیای غرب بسیار رایج است.

این کمیته در سال ۱۹۹۲، ضمن ارائه تعریف فوق آن را به عنوان میراثی که نه طبیعی صرف است و نه انسانی صرف، تحت عنوان میراث ترکیبی یا **mixed heritage** عنوان می کند. هم چنین این کمیته معیارها و ضوابطی را برای آثار بین المللی که دارای پتانسیل ثبت در لیست میراث فرهنگی و یا میراث طبیعی هستند ذکر می کند. این معیارها در ۱۰ بخش عمده طبقه بندی می گردد که ۶ ضابطه آن مربوط به ویژگیهای منظر فرهنگی و ۴ ضابطه آن مربوط به ویژگیهای منظر طبیعی است که به اختصار عنوان می گردد:

معیارهای فرهنگی

- منظر فرهنگی به عنوان ارائه شاهکاری از خلاقیت بشری
- منظر فرهنگی به عنوان نمایش مهم ترین تبادلات ارزشهای انسانی، پیشرفت در معماری و یا تکنولوژی، هنرهای یادمانی در یک محدوده فرهنگی و در طول یک دوره زمانی محدود
- منظر فرهنگی به عنوان یک مدرک شاخص و استثنایی از یک سنت فرهنگی و تمدن که هنوز زنده و پویاست و یا از بین رفته است.
- منظر فرهنگی به عنوان یک نمونه شاخص و برجسته به لحاظ معماری و تکنولوژی ساخت و یا به گونه ای که بیانگر دوره ای خاص از تاریخ بشر باشد.
- منظر فرهنگی به عنوان یک نمونه شاخص از سکونت سنتی و قدیمی بشر، کاربری زمین یا دریا که بیانگر فرهنگ(ها) و یا تعامل انسان با محیط است به خصوص هنگامی که محیط به واسطه تغییرات بسیار، آسیب جدی و جبران ناپذیری دیده باشد.
- منظر فرهنگی به عنوان یک واقعیت ملموس مرتبط با وقایع

و سنتهای زنده موجود، اعتقادات و باورها و کارهای شاخص و برجسته هنری و ادبی جهانی.

معیارهای طبیعی

● منظر طبیعی به عنوان نواحی با ویژگیهای خاص و طبیعی زیبا و منحصر به فرد و یا نقاطی که دارای آثار طبیعی بسیاری می باشند.

● منظر طبیعی به عنوان نمونه برجسته ای که بیانگر دوره مهمی از تاریخ، تحول و تکامل زمین شناسی است.

● منظر طبیعی به عنوان نمونه های برجسته ای که بیانگر تحولات بوم شناختی و زیست شناسی و تغییر و تحولات زمین است، آب سالم، اکوسیستم های زمینی و دریایی و گونه های گیاهان و حیوانات.

مکانهایی که شامل مهم ترین و برجسته ترین نقاط بکر طبیعی است و نیازمند حفاظت اند.

باید عنوان کرد که هیچ نقطه های بر روی کره زمین نیست که متاثر از آدمیان و فرهنگ شان نباشد. انسان ها خود بخشی از تنوع زیستی هستند، با این تفاوت که این جماعت اجبارهایی را هم به این زیستگاه اعمال می کنند که این خود موجبات دخل و تصرف در منظر طبیعی می گردد.

نفوذ فرهنگی به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه بر منظر تاثیر می گذارد. مناظر فرهنگی مکانها یا صنایع ساخت بشر هستند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم توسط انسانها نگهداری می شود. "برای اینکه یک مکان به منظر طبیعی خود بازگردد، می بایست تمام مظاهر فرهنگی آن بازگردانده شود. زمانی که نیاز است تا یک منظر به حالت طبیعی خود بازگردد به محیط بستگی دارد. این زمان "دوران غفلت" نامیده می شود.

به معنای عدم حضور هر گونه مدیریت. اکثر مردم به راحتی می توانند این مناظر را تشخیص دهند. تاثیرات انسان می تواند با حوادث فرعی همچون انقراض گونه های طبیعی در مقیاس محلی و یا به طور کلی، ارتباط پیدا کند. موضوع بازگرداندن زمین به حالت طبیعی - منظر طبیعی - توسط افرادی که نتایج زیان های حاصل از فعالیت های انسان را بر این سیاره درک می کنند، حمایت می گردد. ("www.wikipedia.org")

بخشی از متخصصین و نویسندگان یک طبقه بندی وسیع از منظر طبیعی را عنوان می کنند که طیف وسیعی از مناظر طبیعی را در بر می گیرد. در این حالت منظر از دو بعد فرهنگی و طبیعی مورد بررسی قرار میگیرد:

وستف (Westhoff) مناظر را با توجه به درجه طبیعی بودنشان این گونه تقسیم بندی می کند:

منظر طبیعی: منظر است که هیچ گونه تاثیری از فعالیت های ناشی از حضور انسان در آن نباشد.

منظر طبیعی جایگزین: این دسته مناظری هستند که در ابتدا توسط انسان تغییر یافته باشد اما پس از مدتی به دلیل حذف این فعالیت ها و کنار گذاردن آن، به حالت اولیه خود باز می گردند.

منظر زراعی: منظر است که توسط فعالیت های انسانی



هیچ نقطه های بر روی کره زمین نیست که متاثر از آدمیان و فرهنگ شان نباشد. انسان ها خود بخشی از تنوع زیستی هستند، با این تفاوت که این جماعت اجبارهایی را هم به این زیستگاه اعمال می کنند که این خود موجبات دخل و تصرف در منظر طبیعی می گردد.



تغییر یافته و آثار کمی از طبیعت بکر اولیه آن باقی مانده باشد. (Westhoff, 1970)

لزوم بازنگری در مفهوم منظر طبیعی

"باید عنوان کرد که پیدا کردن یک منظر واقعاً طبیعی، یعنی منظره‌ای که از کوچکترین تاثیر فعالیت های انسانی به دور بوده یا زمانی تحت تاثیر آن قرار نگرفته باشد، بسیار دشوار است، زیرا جوامع انسانی در همه جا، از گرم ترین بیابانها تا سردترین نواحی قطبی گسترش یافته اند." (بل، ۸۲، ۳۰۷)

از طرفی هم، پیچیدگی ارتباطات متقابل انسان و فرآیندهای طبیعی به خصوص در نواحی ای که توسعه منظر از قدمت بیشتری برخوردار است به حدی است که این رابطه تقریباً یک رابطه همزیستی است. به گفته سایمون بل، در اروپا هر جایی که تاریخ توسعه منظر قدمت بیشتری دارد، تفاوت کمتری بین طبیعت و فرهنگ به چشم می خورد. "منظر برای طبیعی بودن کم و بیش نیازمند نوعی دخالت انسان است. در عین حال برای آنکه بتوان چیزهای باارزش و محصولات مورد نظر را از طبیعت به دست آورد، باید همراه با آن و نه بر ضد آن کار کرد." (بل، ۸۲، ۳۰۷)

نکته مورد توجه دیگر در خلال این تعاریف، جدایی انسان است از محیط و منظر- منظر طبیعی-، "جدایی بین خود و محیط اطراف، آنگونه که دکارت مطرح می کند، پدیده جدیدی است که به طور خاص در فرهنگ هایی مانند آمریکای شمالی و اروپا بسیار مورد توجه است. برعکس می توان حالت کل گرایانه ای را در نظر گرفت که در آن انسان و محیط اطراف یکی شده و یک کل را با اجزای داخلی مرتبط با یکدیگر به وجود آورد. لذا ما بخشی از محیط اطرافمان هستیم." (بل، ۸۲، ۹۰)

شاید بتوان مهم ترین مشکل طبیعت امروزه را در همین جدایی دید. حفظ طبیعت بیشتر از این که نیاز به حامیان و انجمن های طرفدار و دوستدار طبیعت داشته باشد، نیازمند تغییر در همین نحوه تفکر است. "پذیرش ایده جدایی انسان از محیط مشکل دیگری را به وجود می آورد. ما به محیط به عنوان یک شی یا طرف مقابل نگاه می کنیم که باید آن را رام کرده یا شکست دهیم، مخصوصاً هنگامی که نیروهای سرکش آن یعنی آتش، سیل، زلزله و طوفان محصول فعالیت مان را که به گمان خودمان مهم ترین چیز است، از بین می برند. این موضوع نشانه عدم درک فرآیندهای منظر و خصوصیات فرهنگی اطرافمان است؛ همه چیز قسمتی از یک کل است و دنیاهای انسانی و طبیعی بخشی از یک تسلسل اند. آن گونه که برلینت می گوید، ما در قبال انسان بودنمان باید در به تصویر کشیدن مشخصات، استانداردها، ارزیابی ارزش ها و انتخاب عمل مسئولیت بپذیریم. تمامی این موارد در ارتباط با دیدگاه کل گرایانه به جهان معنا خواهند داشت و چنانچه حضورمان به عنوان بیننده ای بی طرف در خارج از این کلیت باشد کاربرد پیدا نخواهد کرد، زیرا سبب تقویت جدایی انسان در چرخه حیات می شود. بنابراین بر اساس بحث برلینت محیط همه چیز است: طبیعت، فرهنگ و انسان" (بل، ۸۲، ۹۰)

و در نهایت آخرین و یکی از مهم ترین نکاتی که در تعاریف بالا مورد غفلت واقع شده است، تعریف "منظر" است. "منظر

تنها یک فضای طبیعی نیست، یک ویژگی از محیط طبیعی. هر منظره مکانی است که ما تشکیلات زمانی-مکانی خود را در آن بنا می کنیم." (Jackson, 1970) "منظر مجموعه ای از آثار طبیعی است. با توجه به مجموعه خصایص فیزیکی که جغرافی دانان و سایر دانشمندان در طول سه دهه گذشته آن را کانون توجهات خود قرار داده بودند، امروزه به طور گسترده ای این واقعیت مورد پذیرش واقع شده است که منظر بازتاب فعالیت های انسانها است و البته مملو از ارزشهای فرهنگی. ترکیبی از عناصر فضایی- زمانی است که البته ساخته های سیاسی و اجتماعی را همچون ساخته های فرهنگی نمایش می دهد. با توجه به تغییرات محیطی از یک سو و تغییر فعالیت های انسان از سویی دیگر، منظر از لایه های مفهومی متعددی تشکیل می گردد که از طریق مطالعات تاریخی، باستان شناسی، جغرافی و اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد."

"منظر از لایه های متنوع و عمیق تاریخی تشکیل شده است. (ماتلاک، ۱۳۷۹) و تفسیر آن بازخوانی این لایه هاست. منظر تاریخی است برای روایت که رابطه انسان با محیط را در طول زمان بیان می کند. (منصوری، ۸۴) لذا در منظر دو بازیگر عمده وجود دارد، اول انسان و دوم طبیعت. با توجه به تعریف عنوان شده برای «منظر طبیعی»، و همچنین تعریف واژه «منظر»، حضور انسان در کنار طبیعت الزامی است. حذف انسان به عنوان یکی از بازیگرها با تعریف منظر مغایرت دارد. در تعاریف عنوان شده منظر طبیعی به معنای "محیط دست نخورده" است.

جمع بندی:

با توجه به تعاریف و مفاهیم صورت گرفته، منظر، خود حاصل تعامل انسان است با محیطی که در آن زندگی می کند. لذا منظر طبیعی به عنوان زیر مجموعه ای از منظر، منظره است مشارکتی. اما نقش انسان و میزان دخل و تصرف او در آن کم رنگ تر خواهد بود. به عبارت دیگر انسان خود بخشی از محیط است و به عنوان بازیگر فرعی شکل دهنده این منظر حضور دارد.

با توجه به این تعاریف، مناظر بکر و دست نخورده بخشی از این منظر را تشکیل خواهد نه همه آن را و این منظر خود زیر مجموعه منظر فرهنگی قرار خواهد گرفت. منظره که خود بخشی از منظر میراثی- سرزمینی است.

منابع

- ماتلاک، جان، ۱۳۷۹، آشنایی با طراحی محیط و منظر، سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران، تهران
- بل، سایمون، ۱۳۸۲، ترجمه محمد احمدی نژاد، عناصر طراحی بصری معماری منظر، دانشگاه تهران
- بل، سایمون، ۱۳۸۲، ترجمه بهمنز امین زاده، منظر، الگو ادراک و فرایند، دانشگاه تهران
- منصوری، سید امیر، ۱۳۸۴، جزوه درسی مبانی معماری، استادیار دانشگاه تهران
- منصوری، سید امیر، ۱۳۸۴، جزوه درسی منظر معاصر، استادیار دانشگاه تهران
- www.natures-deskstop.com
- www.wikipedia.org
- Westhoff, v, 1970, "new criteria for nature reserves. new science", page 108-113
- www.unesco.org



منظر مجموعه ای از آثار طبیعی است با توجه به مجموعه خصایص فیزیکی که جغرافی دانان و سایر دانشمندان در طول سه دهه گذشته آن را کانون توجهات خود قرار داده بودند، امروزه این واقعیت مورد پذیرش واقع شده است که منظر بازتاب فعالیت های انسانها است.

تصویر ۲: منظر روستای
پالنگان،
نمونه‌ای از همزیستی
مسالمت آمیز.
ماخذ: نگارنده

